

پرخوابی و تنبلی را کنار بگذارید یا مثلاً با افرادی که اراده قوی دارند دوست شوید یا به‌طور مستمر ورزش کنید، می‌تواند کمک کند. شما هم اگر بخواهید وارد بازار کار بشوید و کسب و کار خودتان را راه بیندازید، باید اراده قوی داشته باشید و آرام‌آرام به موفقیت برسید.

در مسیر این انتخاب‌ها یک نکته مهم وجود دارد. باید حواسمان باشد، هر انسانی نیازهایی دارد و خواسته‌هایی. این دو با هم خیلی فرق می‌کنند. نیازهای انسان واقعی هستند، محدود هستند و متناسب با کمال انسان، اما خواسته‌ها می‌توانند کاذب باشند و نامحدود و حتی به ضرر انسان. بنابراین، راه حل پاسخ‌دادن به این نیازها و خواسته چیست؟ اینکه همیشه به اندازه رفع نیاز به خواسته‌هایمان توجه کنیم. مثلاً در جامعه نگاه کنید چقدر خریدن لوازم لوکس و تجملی زیاد شده است؟ چون این وسایل زرق و برق دارند، خواسته انسان می‌شوند، اما آیا واقعاً این وسایل برای رفع نیاز انسان لازم هستند؟ قطعاً نه. پس این می‌شود اسراف. یادمان باشد، وقتی در کار اقتصادی داریم حرکت می‌کنیم، این اشتباه برای همه ما زیاد پیش می‌آید که بیشتر زرق و برق‌ها چشممان را می‌گیرند و بیشتر از آنکه به فکر رفع نیازهایمان باشیم، به فکر رفع خواسته‌هایمان هستیم و این خواسته‌ها هیچ‌وقت هم تمامی ندارند. نتیجه این می‌شود که انسان همه‌اش در حال دودن است، اما هیچ‌وقت رضایت ندارد و آرامش پیدا نمی‌کند. اگر خواستید نیازهای واقعی را بشناسید، می‌توانید از دین و عقل خودتان بپرسید.

هر انتخابی نتیجه‌هایی دارد. این نتیجه‌ها می‌توانند خیلی زود خودشان را نشان دهند یا برعکس، خیلی دیر و در مدتی طولانی پیدا شوند. شما به‌عنوان کسی که می‌خواهید وارد کار اقتصادی شوید، باید شش‌دانگ حواستان را جمع کنید تا نتایج این انتخاب‌کردن‌های شما در دراز مدت خودش را نشان دهد. اثر نتایج کوتاه‌مدتش را به کل از بین نبرد. شما دلتان

هنر جو یعنی کسی که قرار است وارد دنیای اقتصادی شود. پس باید از اقتصاد هم سر در بیاورد. دانش اقتصاد موارد گوناگونی دارد. در این صفحه از مجله رشد هنر جو می‌خواهیم درباره اقتصاد با هم صحبت کنیم و راهکارهایی اقتصادی را برای موفق شدن در کارمان یاد بگیریم. اولین چیزی که باید به آن بپردازیم، موضوع انتخاب است.

ما انسان‌ها به‌طور دائم باید انتخاب کنیم. در زندگی‌مان که نگاه کنیم، می‌بینیم همیشه در حال انتخاب بین کارها و رفتارها و حالت‌های گوناگون بوده‌ایم و یکی را انتخاب کرده‌ایم. اصلاً خداوند ما را مختار آفریده است تا بتوانیم انتخاب کنیم. قدر و ارزش ما هم دقیقاً به همین انتخاب‌هایمان برمی‌گردد. البته چون انسان علم محدودی هم دارد، خداوند به وسیله دین خیرها و شرها و منفعته‌ها و ضررها را به ما گوشزد کرده و از بعضی انتخاب‌ها منعمان کرده (حرام) و به بعضی دیگر دعوت کرده (حلال) است. هم‌زمان، انگیزه‌هایی هم برای ما ایجاد کرده است، مثل رضایت خداوند، پاداش‌ها یا حتی عذاب‌هایی که وعده داده است.

موضوع اینجا تمام نمی‌شود، بلکه تازه شروع می‌شود. ما یک انتخاب کرده‌ایم و برای عملی کردن این انتخاب‌ها اراده قوی لازم داریم. مثال بزنیم؟ همه ما در ذهنمان مثال‌هایی داریم که در طول زندگی موفق نشده‌ایم بعضی انتخاب‌هایمان را عملی کنیم. علتش یا انتخاب غلط بوده، یا اراده ضعیف یا دوام‌نیابردن در انجام آن. آدم‌های زیادی بودند که می‌خواستند کاری اقتصادی را شروع کنند، اما موفق نبودند. می‌توانید بروید از آن‌ها بپرسید.

بعضی چیزها هستند که اراده را ضعیف می‌کنند. مثل اینکه آدم زیاد به نفسش گوش بدهد، یا به خاطر اینکه نفسش خوشش می‌آید، بیش از اندازه غذا بخورد، یا مثلاً بیش از اندازه بخوابد. این‌ها اراده را ضعیف می‌کنند. بعضی چیزهای دیگر اتفاقاً اراده را قوی می‌کنند. مثلاً اینکه پرخوری و

دوراه برای انتخاب یک راه بین دوراهی اقتصاد



کمی فکر کردن درباره آن می‌تواند در گرفتن تصمیمی بهتر کمکتان کند. خلاصه‌اش می‌شود اینکه: بی‌گدار به آب نزنید. مثلاً شما در یک محله در شهرتان یک تولیدی می‌زنید یا یک مغازه باز می‌کنید، بدون توجه به اینکه این تولیدی یا مغازه غیر از اینکه می‌تواند تبعات اقتصادی داشته باشد، هم‌زمان به‌طور غیرمستقیم تبعات فرهنگی هم دارد. این تبعات هم می‌توانند بد باشند و هم خوب. باید به آن‌ها کاملاً فکر کنید.

یا اینکه ممکن است این تصمیم و انتخاب در آینده ما را از انتخابی دیگر محروم کند یا برعکس، اتفاقاً فرصت‌های بهتری به ما بدهد! در نظر گرفتن این موضوع خیلی مهم است. بگذارید یک مثال بزنیم. یک فرد خیر، وقتی بخشی از دارایی خودش را وقف می‌کند، در ظاهر دارایی‌اش را از دست داده است، اما در واقع پاداش‌های دائمی خداوند را برای خود فراهم کرده است.

۲. اگر در یک دو یا چند راهی برای تصمیم‌گیری قرار گرفتید، سعی کنید اول برای آن تصمیم معیارهایتان را معلوم کنید. بعد با توجه به اینکه هر کدام از راه‌های پیشنهادی چقدر این معیارها را پوشش می‌دهد، انتخابتان را انجام دهید. مثلاً فرض کنید می‌خواهید تلفن همراه خریداری کنید. چند گزینه در ذهنتان وجود دارد. مثلاً قیمت مناسب، امکان سخت‌افزاری خوب و دوربین متوسط. بعد در گزینه‌های خودتان به هر کدام از این‌ها نمره بدهید و در نهایت هر کدام نمره بالاتری گرفت، آن را انتخاب کنید. این روش را می‌توانید برای بسیاری از موارد مشابه انجام دهید.

به این نتایج زودبازده خوش می‌شود، غافل از اینکه در دراز مدت اتفاقاً به ضرر شما تمام می‌شود. مثلاً بعضی از دوستان شما در طول هفته مدت زیادی را به کار کردن در بیرون می‌پردازند. نتیجه زودبازده این کار می‌شود اینکه شما الان درآمدی به دست می‌آورید، اما نتیجه طولانی‌مدتش می‌شود اینکه چون نتوانستید روی درس‌ها و مهارت‌هایی که در مدرسه به شما آموزش می‌دهند خوب متمرکز شوید، تخصص لازم را به دست نمی‌آورید و درآمدی که می‌توانستید با ماهرشدن در رشته‌تان برای همیشه به دست بیاورید، کمتر خواهد بود.

شما وقتی در بازار وارد می‌شوید، حتماً آدم‌هایی را دیده‌اید که بین کسبه و صنایع و تولیدی‌ها خوش‌نام هستند. حتماً این مثل را هم شنیده‌اید که در بازار، اعتبار از سرمایه هم مهم‌تر است. این اعتبار و خوش‌نامی یک‌دفعه به دست نمی‌آید. آدم‌های خوش‌نام هم در بازار انتخاب کرده‌اند که درست زندگی و کار کنند. در معاملات و کار اقتصادی‌شان حلال و حرام را در نظر بگیرند و کم‌فروشی نکنند، از کیفیت محصولاتشان کم نکنند و خیلی چیزهای دیگر. این انتخاب را بارها و بارها تکرار کرده‌اند تا به جایگاه خیلی مهمی در بازار برسند؛ جایگاه فرد مورد اعتماد و اعتبار.

حالا می‌خواهیم دو راهکار بگوییم که برای انتخاب کردن در بازار و کار اقتصادی کمکتان خواهد کرد:

۱. در انتخاب کردن و تصمیم گرفتن سعی کنید همه جنبه‌های ممکن را در نظر بگیرید. بعضی وقت‌ها تصمیمات ما تبعات غیرمستقیمی دارند که

